

از میلاد بیزانسی پادشاه مکار آن را ساخته بود.<sup>۱</sup> این شهر اهمیت خود را از زمانی پیدا کرد که امپراتور کنستانتین (۳۳۷-۳۰۶ م) آن را در ۱۱ ماه مه سال ۳۳۰ میلادی به صورت پایتخت نیمه شرقی امپراتوری روم درآورد و نام شهر به «کنستانتی توبول» تغییر یافت. اهمیت شهر به لحاظ موقعیت تجاری و استراتژی بود زیرا از سه طرف به وسیله آب و از یک طرف به وسیله خشکی و دووارهای محصور می‌شد و از این تاریخ تا سال ۱۲۰۴ میلادی از نظر نظامی یک ارگ تسخیرناپذیر برای امپراتوری روم شرقی محسوب می‌شد.

از دلایل ایجاد و توسعه این شهر این بود که در این دوره

دولت ساسانی در ایران به عنوان بزرگترین دشمن و خطر از جانب شرق امپراتوری روم را تهدید می‌کرد. لذا رومی‌ها لازم

دیدند در مشرق قلمروی خود دولتی قوی به وجود آورند تا

بتوانند از تهاجمات ایرانیان جلوگیری نمایند و در جهت انجام این منظور در زمان کنستانتین و به فرمان وی ساختن باروهای

شهر از سال ۳۲۴ میلادی آغاز گردید و در سال ۳۳۰ میلادی

پایان یافت. اما با گذشت زمان و افزایش جمعیت شهر کوچک

به نظر می‌رسید از این رو باروی دوم را امپراتور تیودوسیوس دوم (۴۵۰-۴۰۸ م) برای شهر ساخت که هنوز پایر جاست.<sup>۲</sup>

پس از فوت تیودور اول در سال ۳۹۵ میلادی بخش شرقی

امپراتوری به پسر ارشد او آرکادیوس رسید و این امر منشاء

تشکیل امپراتوری روم شرقی یا بیزانس شد و شهر مزبور

پایتخت نیمه شرقی امپراتوری گردید. در این زمان در گوشش و

کنار این شهر کلیسا، تاتر، سیرک، مسافرخانه، گرمابه، مغازه

و بازار وجود داشت و امکانات و بناهای دیگری که شایسته

مرکز یک امپراتوری باشد نظیر میدان آن گوستوس، گرمابه با

شکوه زئوکسپیوس، کاخ امپراتور، کاخ سنا، قصر اسقف

قسطنطینیه، میدان اسب‌دانی، دروازه‌های مختلف و از همه

جالبتر کلیسای «سانتا صوفیا» ساخته شد و بنای اخیر از ساخته‌های دوران حکومت ژوستینیان (۵۶۵-۴۸۳ م) بود.

از آنجائی که شهر علاوه بر داشتن امتیاز پایتخت بودن،

دارای موقعیت مهم بازارگانی و تجاری نیز بود، به سرعت

مسیر رشد و پیشرفت را طی کرد و ثروت سرشایری نصیب آن

شد، از این رو از بزرگترین و مجلل‌ترین شهرهای آن روزگار

محسوب می‌شد. همین ثروت و قدرت و موقعیت مهم تجاری

و استراتژی خطرانی را نیز متوجه این شهر می‌کرد و همواره

دشمنان قصد تصرف آن را داشتند. نظیر اسلام‌واها که برای

امپراتوری تهدید همیشگی به شمار می‌آمدند و از همه‌سو به

آن فشار می‌آوردند و یا اوارها که در سال ۶۲۶ میلادی شهر را محاصره کردند ولی نتیجه‌ای به دست نیاورند. دشمنی

بین امپراتوری روم و امپراتوری ساسانی نیز تهدیداتی

را متوجه این شهر کرد از آن جمله در دوران خسرو

پرویز بود که بیرون‌های ایران در سال ۶۱۷ میلادی با

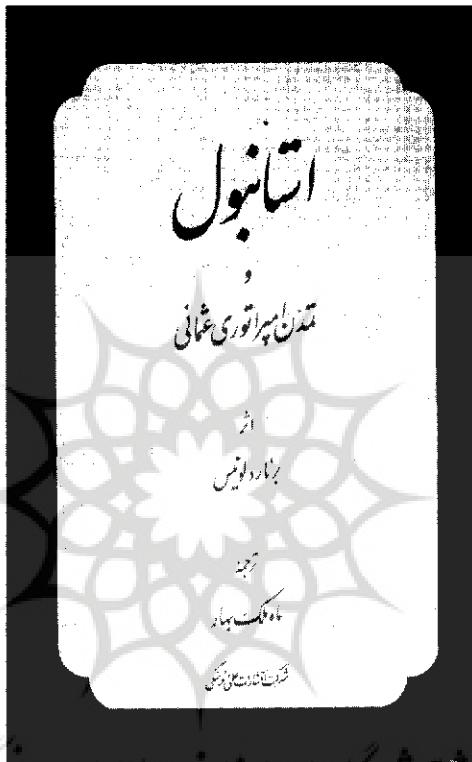
تصرف آسیای صغیر تا نزدیکی بسفر پیش رفتند و

پایتخت را در محاصره گرفتند و مناطق

وسيعی از قلمرو امپراتوری روم شرقی

به تصرف آنها درآمد. این قصیه کمی

● ابوالحسن میین



# استانبول و تمدن امپراتوری عثمانی

■ استانبول و تمدن امپراتوری عثمانی

■ تالیف: برادران لوئیس

■ ترجمه: ماه ملک بهار

■ ناشر: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵

شهر «استانبول» یا در گذشته اسلامبول، قسطنطینیه، کنستانتینیه‌بولیس، بیزانسیوم، بیزانس، دارای تاریخی طولانی و قدمتی فراوان است این شهر در کنار تنگه بسفر و شمال دریای مرمره و جنوب خلیج شاخ‌زربن قرار دارد. «بیزانسیوم» شهری تجاری در عهد یونان باستان بود که در سال ۶۵۷ پیش





شور و شعف و روحیه‌ای عالی از خود نشان دادند و حال آنکه یونانیان دچار یاس و نومیدی کامل بودند.<sup>۸</sup> امپراتور کنستانتین بازدهم در ضمن جنگ به قتل رسید. سلطان محمد دوم تلاش فراوان کرد که شهر را بدون و یونانی به تصرف خود درآورد، تا بعداً بتواند آن را مرکز امپراتوری جهانی خود قرار دهد.<sup>۹</sup> این تلاش سلطان محمد که پس از این لقب فاتح گرفت قابل ستایش بود زیرا قبل از این شهر قسطنطینیه بیست و نه مرتبه محاصره شده بود از آن جمله هفت مرتبه توسط سرداران و امراء خلفای عرب و چهار مرتبه توسط سلطان عثمانی ولی در محاصره‌هایی که تا آن زمان صورت گرفته بود همواره مانع پیش آمد بود که این شهر را از سقوط و امپراتوری بیزانس را از انقراض رهانیده بود و تنها سلطان محمد دوم که هفتین سلطان عثمانی است موفق به انجام این کار گردید.<sup>۱۰</sup>

سلطان محمد با فتح این شهر به امپراتوری یک هزار ساله روم شرقی پایان داد. وی که در سن ۲۲ سالگی موفق به انجام این کار شد، فردی با عزم و اراده و شخصیتی موقر بود و به دوست و دشمن نشان داد که از استعداد والایی برخوردار است.<sup>۱۱</sup> «با تسلط ترکان عثمانی بر شهری که ۱۱۲۵ سال از ساخت آن توسط کنستانتین می‌گذشت، نام شهر به اسلامبول تغییر یافت که مفهوم «شهر اسلام» از آن برداشت می‌شد و نشانه گرایش بیشتر به اسلامی کردن این شهر بود. در این دوره تلاش زیادی در جهت احیای عظمت گذشته این شهر صورت گرفت و از این رو بیشتر سلطان عثمانی از زمان فتح شهر تا سقوط امپراتوری ترجیح دادند که نام قسطنطینیه را حفظ کنند. این نام تا سال ۱۹۳۰ میلادی همچنان باقی بود و از آن سال به بعد به طور رسمی و برای همیشه به استانبول مبدل شد.<sup>۱۲</sup>

در کتاب استانبول و تمدن امپراتوری عثمانی تالیف برتاره لوئیس سعی شده برخی از چهره‌های امپراتوری عثمانی و تمدن آن را که در مرکز و پایتخت آن یعنی اسلامبول به منصه ظهور می‌رسید توصیف و تشریح شود. ویژگی کار مؤلف نیز استفاده از نظرات صاحب‌نظران معاصر ترک و عرب و بهره‌گیری از متون و اسناد امپراتوری عثمانی است. در فصل اول کتاب جریان «فتح» شهر به دست سلطان محمد فاتح مورد بررسی قرار گرفته است یعنی تنها پایگاه باقی‌مانده از امپراتوری با عظمت بیزانس در گذشته که از آن در این زمان تنها شهر قسطنطینیه و چند پاسگاه پراکنده در یونان بجا مانده بود. پس از فتح شهر سلطان سوار بر اسب از دروازه‌ای که امروز توبکابی (دروازه توب) نامیده‌می‌شود وارد شهر شد و امروز توبکابی (دروازه توب) نامیده‌می‌شود وارد شهر شد و یک راست به سوی کلیساي بزرگ ایاصوفیه (حکمت ریانی) رفت. در آنچه امامی را فراخواند و امام بر منبر نصاری رفت و به بانگ بلند «شهدان لا اله الا الله و الشهدان محمد رسول الله» گفت و به این ترتیب کلیساي اعظم یونانیان به مسجد ترکان مبدل شد.<sup>۱۳</sup>

محمد فاتح با این پیروزی به طور همزمان هم قیصر رومی یعنی چانشین اوگوستوس و کنستانتین شد و هم پادشاه شرقی. او با این پیروزی، بر اساس سنتهای سلطنتی عثمانی، وارث روابی کهنه حکومت جهانی اسلام شد و غلبه بر غرب او را «فرمانروای دو سرزمین و دو دریا» - رومی و آناتولی، مدیترانه و دریای سیاه - کرد. او که خود را یکجا خان، غازی و قیصر یعنی تحسم‌ستهای ترکی، اسلامی و بیزانسی می‌دید می‌بایست آن شهر را به صورت مرکز یک جهان و یک امپراتوری درآورد.<sup>۱۴</sup> به جای آن که امپراتور در قسطنطینیه فرمان راند، سلطان در استانبول به سلطنت نشست تا بار دیگر این شهر به صورت مرکز یک امپراتوری وسیع با تمدنی عظیم بشکفت و ببالد، یعنی امپراتوری عثمانی که آخرین و

کرد که ابتداه مسابیگان خود را که احتمال خطر از جانب آنها وجود داشت آرام کند. به این منظور ابتدا بیمان‌های صلحی با امپراتوری بیزانس، این شهر چندبار مورد حمله مسلمانان قرار گرفت. از آن جمله در زمان خلافت عمر و عثمان و معاویه گردیدی نیز با دولت‌های ویزی و مجارستان به امضاء رسید. با این گونه اقدامات تلاش‌های بیزانس را در جلب حمایت اروپائیان بی‌نتیجه گذاشت. از طریق تهدید و سپس پیوند زناشوی خطر دولت ترکمان قرامان را نیز که در بخش وسیعی از آناتولی مرکزی و شرقی حکومت داشت، از میان برداشت. صلیبی شهر را فتح و غارت کردند و بیزانسی‌ها به ناقچار به طرابوزان در غرب آناتولی متواری شدند تا اینکه در سال ۱۲۶۱ میلادی مجددتا و توانستند قدرت خود را در این شهر مستقر نمایند.

اما این اقامت نیز طولانی و دائمی نبود زیرا با ورود عنصر جدید به منطقه آسیای صغیر تهدید دیگری آغاز گردید و این خطر جدید از سوی ترکمن‌ها بود که پس از پیروزی در نبرد ملازگرد به سال ۱۰۷۱ م/ ۴۶۴ هـ. ق. بخش اعظم آناتولی را از قلمرو بیزانس جدا ساختند. کمی بعد با روی کار آمدن ترکان عثمانی در قرن ۱۲ م/ ۷۷۰ هـ. ق. این خطر متوجه پایتخت بیزانس یعنی شهر کنستانتینیوپل یا قسطنطینیه گردید. به این منظور تلاش‌هایی در زمان سلطان عثمان اولیه این شهر نظری برایزید اول و مراد دوم صورت گرفت وی کارهایی را سلطان محمد دوم انجام داد.

محمد دوم (۱۴۵۱-۱۴۸۱ م/ ۸۵۵-۸۸۶ هـ. ق.) امپراتور عثمانی برای جلوگیری از تهاجمات دول اروپائی و تکمیل خارجی محروم مانده بودند، در برابر حملات ترکان از پای در آمدند. نیروهای عثمانی با سوراخ کردن حصار شهر را در توپخانه وارد قسطنطینیه شدند و به تدریج تا بعد از ظهر روز ۲۹ مه ۱۴۵۳ م/ ۲۰ جمادی الاولی ۸۵۷ هـ. ق. شهر را به صورت کامل به تصرف خود درآوردند. در این جنگ مسلمانان نیروی خود را در کارتخیر قسطنطینیه به کار گیرد، قصد آن

شاید عظیم‌ترین و قطعاً بادوام‌ترین امپراتوری عظیم عالمگیر  
اسلامی بود.<sup>۱۵</sup>

همان‌طور که گفته شد اساس کار برنارد لوئیس در این اثر  
در وهله نخست استفاده از منابع مورخین عثمانی بوده است.  
بنابراین سعی کرده با بی‌طرفی به بیان حقایق پرداخته، از  
پیش‌داوری‌های برخی مورخین اروپایی در باب عثمانیان  
بدور ماند. در فصل دوم کتاب تحت عنوان «فاتحان» به بحث  
و بررسی در باب اصل و منشاء عثمانیان و ترکان پرداخته و از  
چگونگی آمدن آنها از ترکستان به ماوراء‌النهر و ایران تا  
آن‌تولی سخن گفته است. در این بخش اوردۀ است که در یکی  
از کارنامه‌های سال ۱۱۹۰ هـ. ق در طول جنگ‌های  
صلبی، نام «ترکیه» برای اولین بار به سرزمینهای جدید ترک  
در آسیای صغیر اطلاق شده‌است و از آن پس این کلمه در نزد  
غیریان دلالت عامیافت هرچند در زبان ترکی چنین نشد. زیرا  
در این زبان این اصطلاح به سرزمین مسلمان نشین ترک  
اطلاق شد و به همین نام باقی ماند.<sup>۱۶</sup>

به هر حال ترکان با ورود به آن‌تولی مزرسزمن‌های  
اسلامی را به زبان قلمرو مسیحیت بیزانس جلوتر می‌برندند و  
در پی آن صاحب‌منصبان سلجوکی هم روان بودند که نظم و  
نقس اسلامی را برقرار می‌کردند. این منطقه سپس مورد  
تهاجم مغولان قرار گرفت ولی آنها نتوانستند به طور کلی این  
ناحیه را تصرف کنند و تنها نتیجه کار آنها این شد که دولت  
سلاطیقه روم که در اثر مقابله با مغولان تضعیف شده بود  
نزدیک نیم قرن بعد کاملاً مضمحل گردید و دولت آنها به چند  
امیرنشین کوچک و بزرگ تقسیم شد و از میان آنها امارت  
عثمانی استفاده شد.

از مباحث دیگر فصل سوم کتاب، بررسی رسوم خاص

عثمانی‌ها برای حکومت است نظری استفاده از قانون برادرکشی

که از زمان سلطان محمد دوم رایج شد و رسم ارشدیت که از

زمان مصطفی اول در قرن ۱۷ هـ. ق به اجرا گذاشته شد و

یا استفاده از قفس که شاهزادگان ایام خود را در آن می‌گذرانند.

بررسی ساختار سیاسی - نظامی امپراتوری عثمانی نیز در

ادامه همین فصل آمده است.

در فصل چهارم با عنوان «کاخ و دولت» مؤلف به شرح  
برخی عمارت‌ها و کاخ‌های می‌پردازد که توسط سلاطین  
عثمانی در استانبول بنا شده است نظری کاخها می‌پردازد و از  
پی‌سرای و در دنباله بحث با استفاده از روایات برخی سفرنامه‌ها  
به بررسی تشریفات و وضعیت داخلی کاخها می‌پردازد و از  
تحووه تربیت و آموزش و کار اعیان‌زادگان و درباریان که در  
داخل محوطه کاخها و در دیوان خانه مشغول انجام وظیفه  
بودند، شرحی ارائه می‌دهد. به این ترتیب وضعیت داخلی  
امپراتوری عثمانی و نحوه عملکرد عمال دولت نظری وزیر و  
مقامات دیوانی را در اداره قلمرو وسیع حکومت، بازگو می‌کند.  
دیوان امیراتوری، مرکز حکومت عثمانی بود. اعضای آن  
نمایندگان دستگاه‌های قضایی، مالی، شرعی و نظامی حکومت  
بودند که به طور مرتب تشکیل جلسه می‌دادند و درباره کلیه  
امور مهم کشور در مقر حکومت که عنوان «باب عالی» داشته  
تصمیم می‌گرفتند.

فصل پنجم که با عنوان «شعر» آمده است با شعری از  
یوسف نایی از شاعران قرن ۱۱ و ۱۲ هجری در مورد شهر

استانبول آغاز می‌شود و در ادامه این بخش مؤلف مسائلی در  
موراد این شهر و سکنه آن و این‌به ساخته شده در آن اعم از کاخ  
و مسجد و مدرسه و خانقاہ را در طول حکومت سلاطین  
عثمانی مورد بررسی قرار می‌دهد. ازان جمله مسجد سلیمانیه  
که از شاهکارهای عالی سنان بزرگترین معلم دوره عثمانی  
است و یک قرن پس از فتح استانبول بنا شده است. لوئیس  
پس از بررسی این‌گونه عمارتها به این نتیجه می‌رسد که  
در فصل سوم تحت عنوان «شهریاران و فرمانروایان» به  
بررسی نحوه حکومت و مملکت‌داری ترکان عثمانی پرداخته  
شده و مؤلف به این نتیجه رسیده است که نوشتۀ‌های عثمانی در  
باب کشورداری و حکومت، عیناً همان نسخه‌های عربی و  
بالاخص فارسی احکام و رسالات اخلاقی و سیاسی قرون وسطی  
است که آینه دارسان و دستورالعمل پادشاهان بوده است.<sup>۱۷</sup>

حکومت و امارت عثمانیان واقع شده، پرداخته است. بدین‌گونه  
که در دوره اول پادشاهان عثمانی تنها خود را «غازی» می‌دانستند  
ولی در زمان بازیزید اول ملقب به ایلدرم لقب «سلطان‌الروم»  
مطرح شد و در دوران جاشیان و نیز جریان توسعه و تحول  
دولت عثمانی‌ادامه یافت و در زمان سلیمان لقب «پادشاه  
اسلام» جاشیان عنوان قبلی شد.

توسیعه‌کتاب سپس با استفاده از منابع عثمانی در این  
زمینه به بحث راجع به ماهیت و اساس حکومت و پادشاهی  
در جامعه اسلامی و جامعه عثمانی می‌پردازد و به این نتیجه  
می‌رسد که در نظریه سیاسی حکومت، حتی قویتر از نفوذ  
فلسفه یونان، نفوذ کیاست و کشورداری ایرانی مشاهده می‌شود  
که آشنایی با آن از طریق ترجمه آثار و نوشه‌های قدیم فارسی  
به زبان عربی و اقتباس آنها و همچنین از طریق تماس‌های  
شخصی وزرا و فرمانروایان ایرانی حاصل می‌شد.<sup>۱۸</sup> این نظریه  
از سوی دیگر محققان تاریخ عثمانی نیز مورد تایید قرار گرفته  
است از آن جمله استانفورد جی. شاو در این مورد عقیده دارد  
که برداشت جامعه عثمانی از هدف و ساختار حکومت، ظاهرا  
در اصل از مفاهیم کهن خاورمیانه متاثر بوده است. این مفاهیم  
نخستین بار در عصر ساسانیان مطرح شد و سپس از طریق  
دیوانیان ایرانی که در دستگاه خلافت عباسی خدمت می‌کردند،  
به تمدن اسلامی خاورمیانه راه یافت. مبانی فلسفی سازمان  
سیاسی در نوشته‌های نظام الملک و غزالی که بر برقراری  
عدلات و امنیت در میان مردم تاکید داشتند، تحمیل شد و  
سپس از این‌گونه آثار در شکل‌گیری سازمان سیاسی دولت، در  
عثمانی استفاده شد.

از مباحث دیگر فصل سوم کتاب، بررسی رسوم خاص  
عثمانی‌ها برای حکومت است نظری استفاده از قانون برادرکشی  
که از زمان سلطان محمد دوم رایج شد و رسم ارشدیت که از  
زمان مصطفی اول در قرن ۱۷ هـ. ق به اجرا گذاشته شد و  
یا استفاده از قفس که شاهزادگان ایام خود را در آن می‌گذرانند.  
بررسی ساختار سیاسی - نظامی امپراتوری عثمانی نیز در

ادامه همین فصل آمده است.

در فصل چهارم با عنوان «کاخ و دولت» مؤلف به شرح  
برخی عمارت‌ها و کاخ‌های می‌پردازد که توسط سلاطین

عثمانی در استانبول بنا شده است نظری کاخها می‌پردازد و از

پی‌سرای و در دنباله بحث با استفاده از روایات برخی سفرنامه‌ها

به بررسی تشریفات و وضعیت داخلی کاخها می‌پردازد و از

تحووه تربیت و آموزش و کار اعیان‌زادگان و درباریان که در

بومند، شرحی ارائه می‌دهد. به این ترتیب وضعیت داخلی

امپراتوری عثمانی و نحوه عملکرد عمال دولت نظری وزیر و

مقامات دیوانی را در اداره قلمرو وسیع حکومت، بازگو می‌کند.

دیوان امیراتوری، مرکز حکومت عثمانی بود. اعضای آن

نمایندگان دستگاه‌های قضایی، مالی، شرعی و نظامی حکومت

بودند که به طور مرتب تشکیل جلسه می‌دادند و درباره کلیه

امور مهم کشور در مقر حکومت که عنوان «باب عالی» داشته

تصمیم می‌گرفتند.

فصل پنجم که با عنوان «شعر» آمده است با شعری از

یوسف نایی از شاعران قرن ۱۱ و ۱۲ هجری در مورد شهر

استانبول آغاز می‌شود و در ادامه این بخش مؤلف مسائلی در

موراد این شهر و سکنه آن و این‌به ساخته شده در آن اعم از کاخ

و مسجد و مدرسه و خانقاہ را در طول حکومت سلاطین

عثمانی مورد بررسی قرار می‌دهد. ازان جمله مسجد سلیمانیه

که از شاهکارهای عالی سنان بزرگترین معلم دوره عثمانی

است و یک قرن پس از فتح استانبول بنا شده است. لوئیس

پس از بررسی این‌گونه عمارتها به این نتیجه می‌رسد که در این

مورد بررسی قرار گرفته است.

در فصل سوم تحت عنوان «شهریاران و فرمانروایان» به

بررسی نحوه حکومت و مملکت‌داری ترکان عثمانی پرداخته

شده و مؤلف به این نتیجه رسیده است که نوشتۀ‌های عثمانی در

باب کشورداری و حکومت، عیناً همان نسخه‌های عربی و

بالاخص فارسی احکام و رسالات اخلاقی و سیاسی قرون وسطی

است که آینه دارسان و دستورالعمل پادشاهان بوده است.<sup>۱۹</sup>

## لوئیس پس از بررسی عمارت‌های استانبول، به این نتیجه می‌رسد که پرداخته اول بنا بر این نتیجه می‌رسد که پرداخته اول بنا بر این نتیجه می‌رسد که در استانبول احداث کردند همان‌ها هستند که به خدمت در راه خدا اختصاص دارد یعنی مساجد، مدارس و خانقاہها.

پرداخته اول بنا بر این نتیجه می‌رسد که ترک‌ها در استانبول احداث کردند  
همان‌ها هستند که به خدمت در راه خدا اختصاص دارد یعنی  
مسجد، مدارس و خانقاہها که بهترین مصالح و طرق‌های  
هنرها بی‌دریغ در ساختمان آنها به کار رفته است.  
ساختمان‌هایی که برای استفاده مردم بنا می‌شد حتی کاخ‌های  
امپراتوری، با مصالح کم‌دمازد و معمولاً از چوب ساخته  
می‌شد.<sup>۲۰</sup> وی همچنین با استفاده از منابع و اسناد تاریخی،  
شرحی از وضعیت شهر و تقسیمات اداری آن و میزان جمعیت  
و انواع اصناف و حرف مختلف رایج در آن را در دوران حکومت  
عثمانی ارائه می‌دهد.

به این ترتیب این فصل از کتاب که راجع به ویژگی‌های  
شهر استانبول است مفصل‌ترین بخش کتاب را تشکیل  
می‌دهد. ویژگی‌های خاص این شهری را بیان می‌کند و این  
زمان به عنوان زیباترین شهر دنیا به شمار رود. در این شهر که  
بر روی هفت تپه بین بنای بسیار و دریای مرمره و خلیج  
شاخ زرین بنا شده بوده منظره دریای نیلگون و جنگل‌های  
سراسری درختان کاج و خانه‌های یک‌طبقه محله پر طمعیت  
«پیرا» با بام‌های سفالین، هماهنگی عجیبی به وجود آورده و  
دورنمای زیبایی داشت.<sup>۲۱</sup> قسطنطینیه یا استانبول شهری  
بین‌المللی بود و در این شهر اصناف و به ویژه انجمن‌های  
بازرگانان و صنعتگران نقش مهمی درزندگی اجتماعی و  
صنفی آن ایفا می‌کردند که با برخی از جنبه‌های زندگی مدنی  
و عمومی امپالبده‌ای باستانی یونانی - رومی و غرب مطابقت  
داشت. نویسنده با استفاده از اسناد و مدارک و فرامین سلاطین  
عثمانی این جنبه‌ها و ویژگی‌های شهر را مورد بررسی قرار  
داده است.

عنوان فصل ششم کتاب «ایمان و علم» است که در طی  
آن مؤلف به بررسی ساختار دینی دولت عثمانی و سازمان  
علوم اسلامی و رشته‌های مختلف علوم دینی و نحوه تعلیم  
و تربیت و نقش این ساختار در حکومت و زندگی اجتماعی  
مردم می‌پردازد.

در ادامه همین مبحث از علماء و نقش آنها در اجرای آداب  
و مراسم مذهبی، همچنین نقش صوفیان و طریق‌های  
مختلف تصوف نیز صحبت می‌شود مانند طریقت بکاتسیه،  
نقشبندیه، خلوتیه و مولویه. در این بررسی این نظریه نیز  
مطرح می‌شود که طریقت‌های تصوف کمبودهای مذهب سنت  
را جبران کردند و مشایخ طریقت شکاف بین انسان و خدا را که  
در مذهب سنت وجود داشت پر می‌کردند زیرا اینها آنها داغ،  
عارفانه و اشرافی بود و عبادات آنان پرشور و شوق و همراه با  
سماع بود. وی همچنین به وجود عناصر شیعی محلی ترک و

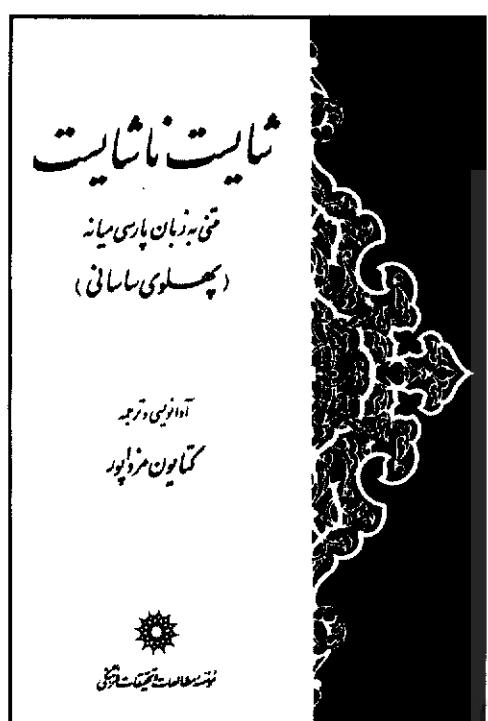
عناصر مسیحی در معتقدات و رسوم سازمان‌های اخوت درویشی اشاره کرده و این که در معتقدات تقریباً همه سازمان‌های اخوت عنصر تشیع قوی بود.<sup>۲۳</sup>

از ویژگی‌های این طرایق و نقش آنها در جامعه و درین مردم و از نقش آنها در بروز قیام‌های اجتماعی و همچنین از اختلافات بین صوفیان و قشیریون در ادامه فصل ششم سخن به میان آمده است. این بخش از کتاب با آثاری از دو تن از شعرای عثمانی و با آوردن دو متن ادبی غنی پایان می‌پذیرد. در بخش «پایان گفتار» به طور مختصر به برسی علل ضعف امپراتوری پس از سلطنت سلیمان از دیدگاه کوچوبیک، یکی از صاحبمنصبان دربار عثمانی می‌پردازد و با یک نتیجه‌گیری کتاب را به پایان می‌رساند. به عقیده لوئیس سیاستمداران و نویسندهای هندی هم و هیجدهم عثمانی هنوز به دوران طلایی گذشته چشم دوخته بودند و تنها امید نجات امپراتوری را در احیای ایمان و شرع اسلام و بازگشت به سنت قديم آل عثمان می‌دانستند. معالوصف عده‌ای هم بودند که راه تازه‌ای یافته بودند، راه رفورم و تجدد که با اضمحلال نهایی امپراتوری عثمانی، از همان راه جمهوری ترکیه پدید آمد.

#### زیرنویس‌ها:

- ۱- امامی، حسام الدین، رویدادهای مهم تاریخ انتشارات جاویدان، ۱۳۶۲، ص ۶۴.
- ۲- لوکاس، هنری؛ تاریخ تمدن از کهن‌ترین روزگارتا سده ما، ترجمه عبدالحسین آذرگ، انتشارات کیهان، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۳۵.
- ۳- گیرشن، رومان؛ ایران از آغاز ناسلام، ترجمه محمدمعین، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳، ص ۳۶.
- ۴- یعقوبی، این؛ واضح: تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۴۰، ۴۵، ۴۶، ۶۲، ۷۶، ۲۸، ۷۷، ۲۶۰.
- ۵- شاو، استانفورد جی؛ تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید، ترجمه محمد رضازاده، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۰۸.
- ۶- همان، ج ۱، او ۱۰۹.
- ۷- اوزون چارشلی، اسماعیل حقی؛ تاریخ عثمانی از تشکیل دولت عثمانی تا قطع استانبول، ترجمه دکتر ابراج نویخت، انتشارات کیهان، ۱۳۶۸، ص ۵۲.
- ۸- دولاندان، ش؛ تاریخ جهانی، ترجمه احمدی‌همنش، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۵۱۵.
- ۹- شاو پیشین، ج ۱، ص ۱۱۱.
- ۱۰- پورگشتال، هامر؛ تاریخ امپراتوری عثمانی، ترجمه میرزا کی علی‌آبدی، انتشارات زرین، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۹۷.
- ۱۱- اوزون چارشلی، پیشین، ج ۱، ص ۵۵۰.
- ۱۲- لوئیس، برنارد؛ استانبول و تمدن امپراتوری عثمانی، ترجمه ماه مالک بهار، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲.
- ۱۳- همان، ص ۱۱.
- ۱۴- کین راس، لرد؛ قرون عثمانی، ترجمه بروانه‌ستاری، انتشارات کیهان، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۱۶.
- ۱۵- لوئیس، پیشین، ص ۱۱۱، ۱۱۱.
- ۱۶- همان، ص ۲۱.
- ۱۷- همان، ص ۴۷.
- ۱۸- همان، ص ۵۳.
- ۱۹- همان، ص ۶۰.
- ۲۰- شاو پیشین، ج ۱، ص ۲۰۳.
- ۲۱- همان، ص ۴۲.
- ۲۲- باربر، نوبل؛ فرمانروایان شاخ زرین، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر گفتار، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۷.
- ۲۳- لوئیس، پیشین، ص ۲۲۲ - ۲۲۱.

● سیروس نصرالله زاده



سرآغاز: بانو دکتر کتایون مزادپور، استاد دانشگاه وضع پژوهشی علمی پژوهشگاه علوم انسانی و تحقیقات فرهنگی اند. ایشان در متون پهلوی و اساطیر ایران باستان، ژرف اندیشه و صاحب نظرند. برگردان استاد از این کتاب، به جهت دربردارندگی مطالب پیچیده فقهی و حقوقی و نیز به سبب گذشت زمان و کهنه‌گی بعضی مطالب آن که برگردان را دشوار ترمی سازد، با حفظ ساختار نحو پهلوی روان و شیوه است.

#### نسخه شناسی:

بن مایه فلسفی اندیشه زردشتی گردی بر نیکی و بدی (= خیر و شر) و جدال میان آنهاست . نیکی ها آفریده اور مژده از این رو همه پاک و منزه؛ و بدی ها ازان اهربین اند، پس همگی نایاک و پلید. هر آن چه که آفریده های اور مژده را بی‌اید باید از آن پرهیز کرد. پاکیزگی و پرهیزگاری در جزء جزء زندگی دینورمزدیستانی نقش دارد و آن را باید رعایت کند؛ از ساده‌ترین اش مانند پاکیزگی هر روزه خانه تا پیچیده‌ترین اش مانند احکام نیالودن آب و آتش و احکام مربوط به شخص در گذشته . از زمان «زردشت اشو» قوانین طهارت وضع شده که

## تاریخ کیش زردشتی براساس کتاب‌های فارسی میانه (پهلوی ساسانی)

# شاپیست ناشاپیست

- شاپیست ناشاپیست، متنی به زبان فارسی میانه (پهلوی ساسانی)  
■ اوانویسی و ترجمه: کتایون مزادپور  
■ ناشر: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی  
تهران، ۱۳۶۹.

